

## مقدمه مترجم

۷



بالون‌ها

آملی نوتومب، داستان نویس فرانسوی‌زبان است که در سال ۱۹۶۶ در بروکسل متولد شد. او نویسنده‌ای بسیار پرکار است و تقریباً پس از چاپ اولین رمان خود به نام بهداشت قاتل (۱۹۹۲)، تا کنون سالی یک رمان به چاپ رسانیده است. نوتومب در مصاحبه‌ای که در سال ۲۰۰۴ با روزنامه بلژیک آزاد انجام داد بیان کرد که تقریباً سالی چهار رمان می‌نویسد که از آن‌ها فقط یکی را به چاپ می‌رساند. رمان‌های او از پرفروش‌ترین کتاب‌های ادبی هستند و بسیاری از آن‌ها به بیش از چهل زبان دنیا، از جمله فارسی، ترجمه شده‌اند. او برای رمان‌های مختلف خود به جوایز متعددی دست پیدا کرده است. برای مثال می‌توان به جایزه بزرگ آکادمی فرانسه اشاره کرد که در سال ۱۹۹۹ برای کتاب ترس و لرز از آن خود کرد.

آملی به واسطه کار پدرش که یک دیپلمات بود به سفرهای بسیاری رفت. او کودکی خود را در ژاپن گذراند و این کشور منبع الهام چندین رمان او شد. پس از



بازگشت به بلژیک در دانشگاه آزاد بروکسل به تحصیل در رشته زبان‌شناسی تاریخی پرداخت. در بیشتر آثار نوتومب زندگی شخصی نویسنده به راحتی از خلال سطرها قابل دریافت است. به همین دلیل بسیاری از منتقدان، اکثر رمان‌های او را اتوبیوگرافی یا به بیان دقیق‌تر اتوفیکسیون<sup>۱</sup> می‌نامند. در این کتاب نیز، نویسنده از زبان دانشجویی در بروکسل به بیان خودش می‌پردازد. در بالون‌ها، نوتومب برای اولین بار خوانندگان را به سرزمین پدری خود می‌برد. قهرمان داستان دختری به نام آنژ است که نوزده سال دارد و زندگی یکنواختی را می‌گذراند. نوتومب در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید: «آنژ خود من هستم وقتی نوزده سال داشتم.» همچنین اعتراف می‌کند که در سنین نوجوانی به طرز وحشتناکی مانند قهرمان داستان خود، جدی بوده است.

پرسش مهمی که او با نگارش این رمان مطرح می‌کند این است که کتاب خواندن چه تحولاتی در زندگی انسان به وجود می‌آورد؟ حرف‌هایی که از دهان پی، دیگر شخصیت اصلی داستان، می‌شنویم همان حرف‌هایی است که آملی نوتومب به گفته خود از نوجوانان پانزده، شانزده ساله می‌شنود: «همه روزه ایمیل‌ها و نامه‌های بسیاری از نوجوانان سراسر دنیا دریافت می‌کنم که از من می‌پرسند چه بخوانند؟» توصیه او به نوجوانان این است که از کتاب‌های سخت

---

۱. اتوفیکسیون Autofiction اصطلاحی است که برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ توسط سرژ دو بروفسکی Serge Doubrovsky منتقد و رمان‌نویس فرانسوی به کار برده شد و به اثری اطلاق می‌شود که در حالی که شاخص‌های یک رمان اتوبیوگرافی را داراست از تخیل نویسنده و به کارگیری تکنیک‌های روایت توسط او نیز به دور نمانده است. در اتوفیکسیون برخلاف اتوبیوگرافی چگونگی روایت یک حقیقت بر حقیقت یک روایت پیشی می‌گیرد و تخیل به ابزاری برای جستجو و بیان حقایق بدل می‌گردد.

شروع کنید چرا که سختی و پیچیدگی همیشه محرک خوبی برای یک نوجوان است و نوجوانان اکثراً دوست دارند که به چالش کشیده شوند. به گفته او در عصری زندگی می‌کنیم که اگر از یک نوجوان بخواهیم که یک رمان را کامل بخواند انگار کاری خلاف حقوق بشر انجام داده‌ایم. در این کتاب او به آثار کلاسیک ادبیات و بی‌علاقگی نوجوانان به خوانش آن‌ها می‌پردازد. اما آیا پی با خواندن کلاسیک‌های برتر می‌تواند به رشد فکری دست پیدا کند؟

جالب است بدانیم که در بالون‌ها یا هواگردهایی مانند زیپلین و کشتی‌های فضایی از گازهایی با تراکم پایین نسبت به هوا چون هلیوم و هیدروژن استفاده می‌شود. ادبیات و آثار کلاسیک نیز در این کتاب مانند زیپلین‌ها زیبا هستند اما شکننده‌اند و به راحتی آتش می‌گیرند.

یکی از کتاب‌های پیشنهادی آنژ به پی، ایلید هومر است. یکی از ویژگی‌های ایلید این است که کتابی اخلاق‌محور نیست و نوجوان بارها در کتاب به این موضوع اشاره می‌کند و آنژ نیز به مخالفت با او می‌پردازد. آملی نوتومب سخت بر این عقیده است که ادبیات و اخلاقیات دو موضوع کاملاً متفاوت هستند و اخلاقیات می‌تواند موضوع ادبیات باشد اما هدف آن خیر.

آرنو ویویان<sup>۱</sup> منتقد ادبی فرانسوی درباره این کتاب می‌گوید: «این همان آملی نوتومی است که من دوست دارم. این رمان کم‌حجم، درباره کتاب‌خوانی است. این کتاب به متن‌شناسی می‌پردازد و چگونگی تلاقی آن با فلسفه زندگی را نشان می‌دهد. در بالون‌ها به صورت همزمان فضای آرام و خشن حاکم است.» همچنین به نظر فردریک بگبدر<sup>۲</sup>: «در بالون‌ها نوتومب از چیزهایی صحبت

1. Arnaud Viviant

2. Frédéric Beigbeder





می‌کند که در توصیف آن‌ها بسیار مهارت دارد: از جوانی و ادبیات. او در این کتاب، بسیار متمدن و در عین حال بی‌رحم ظاهر شده است. همیشه فکر می‌کنیم که نوجوانان وحشیانی در یک جهان آرام می‌باشند. در این کتاب نوجوانی به‌سان ظرافتی در جهانی بی‌رحم نشان داده شده است. کتاب درباره خوانش است و این‌که کتاب‌خوانی چه تأثیری بر زندگی ما دارد. همیشه از قدرت سازندگی کتاب بحث شده است، هیچ‌کس بدین‌گونه پیش از نوتومب به قدرت گاهی مخرب آن نپرداخته است.»

به‌طور کلی رمان‌های نوتومب خاستگاه‌های متفاوتی دارند از جمله اسطوره‌شناسی، فلسفه و ادبیات کلاسیک. استفاده بسیار از دیالوگ به رمان‌های او فرم نمایشنامه‌ای می‌دهند. شخصیت‌ها و موقعیت‌های فانتزی موجود در بعضی از رمان‌های او نشان از رئالیسم جادویی دارند. پایان‌بندی‌های نوتومب در بیشتر مواقع خواننده را غافلگیر می‌کند. نزد نوتومب، خشم، طنز و رمانتیسیم با هم مخلوط شده‌اند و همگی به دنیای واقعی پرتاب شده‌اند. شخصیت‌های داستان‌های او مانند انسان‌های واقعی در دنیای امروز مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌ها را تشکیل می‌دهند. در بالون‌ها، شخصیت‌های ثانویه کاملاً از ادبیات و مطالعه به دورند و انگار در حماقتی عمیق به سر می‌برند. دو نوجوانی که شخصیت‌های اصلی رمان را تشکیل می‌دهند، در ارتباط با محیط پیرامون خود مشکل دارند و به‌گونه‌ای طردشده هستند و با سن خود در کشاکش به سر می‌برند. بنابراین خواننده شاهد گفتمانی فاقد قدرت در رابطه استاد و دانش‌آموز می‌باشد. اما آیا این استاد است که دانش‌آموز را می‌پروراند یا بالعکس؟

هر چند این اثر در کشاکش همه‌گیری ویروس کرونا به بازار فرانسه عرضه

شد برخلاف تصور عام حاصل نگارش در دوران قرنطینه نیست؛ چرا که برای نوتومب نوشتن، سلاحی برای مبارزه و تحمل قرنطینه نبوده بلکه بیشتر او را متزلزل می‌ساخته است. از این رو، او در این دوران به گفته خودش جز مطالعه به کار دیگری مشغول نشد. قرنطینه برای او بازخوانی تمامی آثار هوگو را به ارمغان داشت.

به طور کلی، موضوع بسیاری از آثار نوتومب ادبیات است. او از آن دسته نویسندگانی است که ادبیات را موضوع ادبیات ساخته است. پیام بیشتر داستان‌های نوتومب این است: «ادبیات یا نبودن، مسئله این است».





- من هنوز نمی‌دانستم که دونات به آن دسته دخترهایی تعلق دارد که دائم از همه چیز آزاده ورنجیده‌خاطر می‌شوند. سرزنش‌هایش مرا غرق در شرمندگی و خجالت می‌کرد.
- او گفت: آدم حمام را این طوری به حال خودش رها نمی‌کند.
- ببخشید؟ مگر چه کار کردم؟
- من به هیچ چیز دست نزنم. خودت باید بفهمی.
- رفتم نگاه کردم، نه آب کف حمام جمع شده بود، نه مو داخل توری چاه بود.
- نمی‌فهمم.
- او آه‌کشان به سمت من آمد.
- پرده حمام را نکشیدی، توقع داری این شکلی وقتی شبیه آکاردئون رهایش کردی، خشک شود.
- آهان، بله.
- و این‌که در شامپوی مثلثی‌ات رو نبستی.
- اما خب برای خودم است.

— خب که چی؟

در شامپوی خودم را - که برای من مثلی نبود بلکه همان شامپوی معمولی بود - بستم. کاملاً واضح بود که من بلد نبودم چطور باید زندگی کرد. دونات یادم می داد. من فقط نوزده سال داشتم. او بیست و دو ساله بود. در سنی بودم که این تفاوت چند ساله قابل توجه به نظر می رسید. کم کم فهمیدم که او با بیشتر مردم این گونه رفتار می کند. می شنیدم که چگونه در مکالمات تلفنی اش با مخاطبان مجادله می کند.

— به نظر خودتان درست است که با این لحن با من صحبت کنید؟

یا:

— اصلاً نمی پذیرم که چنین رفتاری با من شود.

و تلفن را قطع می کرد. من از خودم می پرسیدم یعنی چه اتفاقی افتاده است.

— به چه حقی به مکالمات تلفنی من گوش می دهی؟

— گوش نمی دادم، ناخودآگاه شنیدم.

اولین باری که از ماشین لباسشویی استفاده کردم، فاجعه بود.

— مرا صدا کرد: آنژ!

با بدترین حس ممکن به سوی او رفتم.

— این چیه؟

او این سؤال را در حال اشاره به لباس هایی پرسید که من هر جایی که توانسته بودم آویزان کرده بودم.

